

روشنفکران می گویند که منع واکسن انگلیسی و آمریکایی، ایدئولوژی زدگی ودیج سلامت است. از منظر سیاست بین الملل، جطور باید به واکسن درستی با غلطی واردات آن نگاه کنیم؟

برای ورود به بحث اول باید یک مقدمه عرض کنم. نظام بین الملل سیکل ها و فراز و فرودهایی دارد یا به اصطلاح [طی هر تحول] فرآیندی را طی می کند. این فرآیند باعث می شود که وضعیت های متفاوتی را [تیز] تجربه کند. این فرآیند از حالت « گذار» یا «برزخ» شروع می شود و تا حالت «افول» و نابودی مدام یا ایجاد یک نظام جدید یا یک وضعیت جدید امکان تغییر دارد. چند مرحله برای آن [وضعیت های حاکم بر نظام بین الملل] برمی شمارند: ۱- گذار ۲- ظهور و پیدایش ۳- نهادینه شدن ۴- بلوغ ۵- افول و ضعف و ۶- فروپاشی.

مرحله گذار یعنی دست به دست شدن نظام [بین الملل] میان برخی قدرت ها، مثلاً از مرحله دو قطبی به چندقطبی و از کنگره وین به جامع ملل و از جامع ملل به سازمان ملل. یا از جنگ جهانی دوم به دو قطبی. همه اینها تجربیاتی پیش روی همه بازیگران نهاده است که براساس آن [مانیز] می توانیم رفتارهایمان را تنظیم کنیم.

فضای کنونی فضای بحران قدرت هژمون است یعنی آمریکا در یک فضای بحرانی قرار گرفته است که این فضای بحرانی آمریکا را در یک وضعیت گذار یا درون همان قدرت هژمون دادر سطح جهانی اش- قرار می دهد. شکل ظاهری اش تغییر قدرت از جمهوری خواهان به یابین است اما بحران های داخلی اش که محصول لیبرال دموکراسی است، دارد [لیبرال دموکراسی] آمریکا را از صادراتی بودن می اندازد و به نوعی [به ایدئولوژی آمریکایی] خدشه وارد می کند. این فضای گذار همیشه یک سری الزامات و فرصت ها را برای بازیگران ایجاد می کند. در این فضای گذار، قدرت هایی که توان توسعه خودشان را دارند، باید توسعه پیدا کنند یعنی اگر در این فضای گذار مثلاً فرض کنیم که اصلاً ۴۵ روز تا ۳ ماه این گذار موقت آمریکا طول بکشد، قدرت ها، کشورها و دولت ها براساس مزیت نسبی شان باید تلاش کنند که یک گسترشی را برای خودشان ایجاد کنند چون قدرت هژمون توان کنترل بسیاری از مناطق یا دولت ها را از دست داده است و نمی تواند واکنش سریعی اتخاذ کند. یک مثال ساده می زنم. ما کشتی ای از کره جنوبی را متوقف کردیم و در گفت وگوها شرط گذاشتیم که بخشی از دارایی ما آزاد یا به فالن حساب واریز بشود و توافقی انجام شد. در این فضا نه آمریکا فرصت دارد ما و کره را تهدید کند و نه آن تحریم ها و پروتکل ها را کار ساز است. فقط مزیت نسبی با بازیگران است که کار می کند. [در این شرایط] کشورهایی می توانند به دیگران فشار بیاورند و آنها را وارد یک تهدید امنیتی فشار کنند، این کار را انجام می دهند. به تعبیری الآن بهترین زمان است برای اینکه ایران بتواند بخشی از مطالبات خودش را از نظام بین الملل دریافت کند، چه از کره جنوبی، چه از عربستان، چه از عراق. این مطالبات می تواند اقتصادی، سیاسی یا حتی فرهنگی باشد. در این یک ماه همه ما باید رفتارهای با هدف توسعه از سوی جمهوری اسلامی را بیشتر شاهد باشیم و این نیز چه از سمت مجلس، چه از سمت دولت طبیعی است. اگر به همه اینها دقت کرده باشید ما چندین رفتار توسعه ای داشته ایم. از جمله افزایش غنی سازی، در عراق گفت وگوهایی شروع شده تا بدهی های مالی ما را پرداخت کنند، تنگه هرمز مزیت نسبی ما بود و ما سریع اقدام کردیم و در مواجهه با کشتی هایی که آنجا تردد می کردند، حالا شاید تا قبل از این با یک تذکر [از کنار این مساله] آلودگی رد می شدیم [و آن قدر سفت و سخت برخورد نمی کردیم اما این فضا ایجاب می کند که ما سفت برخورد کنیم. نکته دیگر این است که در این فضا همگرایی ها و همکاری های کشورها بسیار سهل و آسان اتفاق می افتد یعنی اگر ما قرار بود که در یک فضایی غیر از این فضا در میانه دولت ترامپ قرار بود با کوپا یا چین یا کشور دیگری واکسن بسازیم یا از آنها خرید کنیم یا همکاری چندجانبه ای را در زمینه های مختلف داشته باشیم، ما امکان پذیر نبود یا بسیار مشکل بود. در این فضایی که ما امکان داریم از چین، کوپا یا روسیه یا هر کشور دیگری واکسن بخریم یا حتی خودمان واکسن تولید کنیم یعنی فضا به نحوی است که ما امکان تولید واکسن داریم. حرکت به سمت قدرت هایی که خودشان درگیر مرحله گذار و تنش هستند کاملاً اشتباه است. اگر با قدرت هم تر از خودمان یا حتی پایین تر از خودمان وارد فضای همگرایی یا همکاری بشویم و به اصطلاح منطقه گرایی را به نمایش بگذاریم، این طبیعی ترین رفتار در روابط بین الملل است و در مرحله گذار به سمت کشوری که در حال گذار است نمی رود و تلاش می کند که در فضای پیرامون خودش این گسترش را ایجاد کند چرا که کشورهایی مثل عربستان یا امارات که وابسته آن هژمون هستند، وقتی که کشور هژمون یا US, state, israel یا همگرایی با خودشان را از دست می دهند یعنی مثلاً وقتی آمریکا دگریم می شود و از حالت تکیه گرا برای عربستان، کره جنوبی و ژاپن خارج می شود- این کشورها باید منتظر فشارهایی از سوی سایر بازیگران باشند و آزادی عملی که برای کشورهایی مثل ما ایجاد می شود به ما این فرصت را می دهد

که با دیگران وارد همکاری و همگرایی شویم. به تعبیری خارج از این بحث که چه کسی این حرف را زده است که ما از انگلستان یا آمریکا بخواهیم قدرت ها یا حتی جهان را هژمون، واکسن یا کالای دیگری نخریم- این سخن در منطق سیاست بین الملل قابل فهم و پذیرش است که درواقع فرصتی دست داده است که ما در درون این فرصت امکان همکاری و همگرایی با بسیاری از کشورها را به راحتی در زمینه بهداشت و درمان ایجاد کنیم چرا که بهداشت و درمان واقعاً یک مزیت نسبی برای جمهوری اسلامی ایران است و ما در جهان و شرق آسیا شاید از بهترین ها باشیم. در منطقه خاورمیانه و حتی آسیا و شرق آسیا یا غرب آسیا- کاهش پیدا کند. در درمان هستیم- چه در غرب و چه شرق آسیا- شاید بتوانیم بگوییم که کنار مالزی و ترکیه- که می توانند رقابتی بهداشتی و درمانی ما باشند- در برخی موارد به علت پایین بودن هزینه های درمانی در ایران، ما مجز از آن ترین ها و با کیفیت ترین ها هستیم. بنابراین دلیلی ندارد کشوری که مزیت نسبی اش بهداشت و درمان است و کشورها بسیار زیادی در صف اینها سده اند تا در فضای همکاری و همگرایی بهداشتی و درمانی با آنها وارد بشویم، همه را پس بزنیم و همکاری و همگرایی های بلندمدت را- در فضایی که کرونا در داخل به شدت [از هم] است و فضای هژمونیک جهان به شدت دچار واگرایی شده است و ما- در همگرایی حول کرونا- فرصتی برای تنفس جدی یافته ایم و خودمان نیز توان تولید واکسن را داریم. این اشتباه است، مثل این می ماند که منتظر ضعف

آمریکا و انگلستان بوده ایم و حالا که اتفاق افتاده و فرصتی برای دوری از اینها پیدا شده، [با دست] خودمان، ترمیم شان کنیم.

به تعبیری می شود گفت که این رویکرد اتفاق رویکرد هوشمندانه ای برای آینده است تا بتوانیم در آینده نیز امتیازهای بیشتری بخریم و این دو گانه ای که روشنفکران دارند روی آن کار می کنند، در آینده بیشتر جامعه را تحت فشار قرار می دهد. به تعبیری ما اگر بخواهیم به مدل توسعه خودمان برسیم، با این رویکرد، فضا بازتر می شود.

ما می توانیم حتی با کوپا یا چین در بهداشت و درمان همکاری کنیم. فراموش کردم بگویم شرق آسیایی ها در کنترل کرونا موفق تر بوده اند یا کشورهای غربی؟ ویتنام، کره جنوبی، چین، ژاپن یا خیلی از کشورهای شرق آسیا- با اینکه کرونا فراوانی اش از شرق آسیا بوده است- بسیار موفق تر از انگلستان، آمریکا، ایتالیا و حتی آلمان بوده اند. گرچه برخی کشورهای اروپایی مثل سوئد، سوئیس و حوزه اسکندیناوی هم موفق عمل کردند ولی در مجموع شرق آسیایی ها- حتی ویتنام- از همه اینها در کنترل کرونا موفق تر بودند. وقتی گزینه های بسیار نزدیک، موفق، فعال در زمینه کنترل و برون کرونا و نیز تولید واکسن داریم، چه نیازی است که به سمت آمریکا، انگلستان و شرکت های آمریکایی برویم؟ فکر می کنم فضای رسانه ای و فرهنگی ما به مبداء فکری عمومی راستست به کامیابی های واقعی آسیایی ها و ناکامی های غربی ها توجه نمی دهد. به علاوه و قتش رسیده است که [مطالب مربوط به] این عرصه تخصصی و آکادمیک روابط بین الملل هم در رسانه ها گفته شود و این الگوی درستی که انتخاب شده است- فرایع از اینکه چه شخصیتی این حرف را زده و این الگو را [رائه کرده است]- [توضیح داده شود]. ۱- احتمالات حاشیه ای - مثل اینکه ممکن است روی ما تست شود [هم در حد] احتمال [مطرح] هستند [مثل] مصداق خون های آلوده. [البته] تخصص من بهداشت نیست بلکه روابط بین الملل است و از دل همین بحث های روابط بین الملل، فکر می کنم این تصمیم، تصمیم درست و بجایی است و آن مباحث روشنفکری بیشتر رسانه ای است تا اینکه از دل بحث های دانشی آکادمی ها بیرون آمده باشد و اینها وضع اینکه [شمانمی بینید کسی یا تخصص روابط بین الملل گفته باشد که این حرف به لحاظ روابط بین الملل غلط است یا یک متخصص بهداشت یا پزشک گفته باشد که این حرف غلط است.

نقاط عطفی در تاریخ اتفاق می افتد، مثل جنگ جهانی دوم که باعث شد آمریکا قدرتش مضاعف شود. الان کرونا و این وضعیتنی که پیش آمده است و با توجه به تلاشی که جمهوری اسلامی در جهت ساخت واکسن دارد، واقعا می تواند نقطه عطفی باشد که ده ها سال دیگر یا چند دهه بعد باعث توسعه بوده و ما را جلو ببردازد؟

در یک دهه یا دو دهه اخیر مفاهیم سنتی مثل امنیت، موازنه و... تعریف جدیدی پیدا کرده اند. فرض کنید اگر ۳۰ سال پیش از امنیت حرف می زدیم یعنی کاری کنیم که جنگ یا حمله ترویریتی نشود یا کاری کنیم که بمب گذاری یا شورشو اتفاق نیفتد ولی الان امنیت یک تعریف موسعی پیدا کرده است و وقتی می گویند که امنیت انسان ها را به خطر نیندازیم، صرافا این نیست که بگوییم با گلوله کشته نشوند، بلکه یعنی هوا برایشان آلوده نباشد، از حیث بهداشت روانی تامین باشند، کیفیت زندگی و سبک زندگی و... همه در بحث امنیتی مورد توجه قرار می گیرد. نکته دوم این است که اگر زمینه ایجاد بشود که یکی از مهم ترین مضللات خیلی از مناطق مثل ما که بحران هایشان حل نمی شود به سمت امنیت دسته جمعی پیش نمی روند چون ورود قدرت های بزرگ به این مناطق بسیار زیاد است و علقه و علاقه ابر قدرت ها نیز به مناطقی مثل منطقه ما بسیار زیاد است، این مانع می شود که کشورهای منطقه در معضل های مشابهی که دارند به صورت هماهنگ عمل کنند اصطلاحاً در درون امنیت دسته جمعی تعریف شوند. فکر می کنم که اگر کرونا یا فضا را ایجاد کند، در مقابل نظم هژمونیک یک امنیت دسته جمعی نزدیک شویم. این نظریه مشهوری بارز بوزان (Barry Buzan) است و مفصل به این پرداخته است. فضای امنیت دسته جمعی مانع از آن فضای دخالت و کنترل جهان توسط ابر قدرت ها می شود یعنی مناطق -در برخی مواقع- می توانند به نحوی نزدیک به یکدیگر نزدیک عمل کنند که آن فضای مداخله دائمی ابر قدرت ها -در مناطقی مثل آسیا و شرق آسیا یا غرب آسیا- کاهش پیدا کند. در هر اتفاقی با رویدادی -مثل کرونا- اگر کشورهای عمده ای -مثل ما یا چین- که درگیر آن هستند کمی هماهنگ عمل کنند در فضای پس از آن مثلاً در پسا کرونا که اثر پروانه ای کرونا قرار است اتفاق بیفتد- آسیب های کمتری می بینند و مداخله های کمتری از سوی قدرت های بزرگ را شاهد خواهیم بود.

در منطق روابط بین الملل، فشار ماهیت دومینوار دارد یعنی اگر

روابط بین الملل و واکسن ایرانی و غیر ایرانی

در گفت وگوی «فرهیختگان» با رسول نوروزی

مزیت نسبی ایران در بحران هژمونی

چند ساعت بعد از فرمان ممنوعیت ورود واکسن از کشورهای انگلیس و آمریکا، شبکه های مجازی عرصه جدال لفظی بین موافقان و مخالفان شد. بحث هایی بسط، رمانتیک و عجیب مثل اینکه «سلامتی لازم است و خوب است»! آنچه غایب بود بحث علمی و خصوصاً نظریه سیاست بود. خصوصاً جایگاه این بحث در روابط بین الملل و تفسیر این ممنوعیت در افق روابط آینده ما با غرب و ایضا تحولات آینده نیز چندان مورد توجه کسی قرار نگرفت. در این باره گفت وگویی با دکتر رسول نوروزی عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی صورت دادیم که از نظر می گذارند تا شاید قدری از جنجال های بی ثمر رایج فاصله بگیریم.

از کشورهای دیگر با ما همکاری می کنند این است که صادراتی ترین و اثر گذارترین کالا ما در منطقه مردم سالاری دینی ماست چرا که تمام کشورهای اینجا غیردموکراتیک هستند. یکی از مهم ترین فاکتورهای چانه زنی ما به منطقه همین است و در مذاکرات نیز همین است و اگر همین کالاهای صادراتی مان که حالت انومالیک دارد -یعنی مثل موشک نیست که اگر بخواهیم آن را ارادی فعال کنیم- [یعنی] مردم سالاری دینی یا توان بهداشت و درمان را کنار همدیگر بچینیم، مزیت نسبی و خاصی تولید می کنیم که در مذاکرات برای ما دست برتر و ابزاری چانه زنی ایجاد می کند.

در این مقطع چه کشورهایی می توانند با ما همگرایی بیشتری داشته باشند؟

در شرق آسیا هم ویتنام با ما همراه است و هم چین می تواند در این قضیه با ما همکاری کند. انتخاب کوپا نیز هوشمندانه بود و به نوعی نماد به حاشیه راندن لیبرال دموکراسی است. اما درون اتحادیه اروپا ما همکاری های پزشکی خوبی با دو کشور آلمان و اتریش داریم ولی به دلایلی [از جمله] مشکلاتی که در داخل داریم، این همکاری ها را توسعه نداده ایم. فرانسه و انگلستان تلاش دارند که نتوانیم به سمت کشورهایی همچون اتریش یا آلمان برویم. با توجه به پتانسیل حضور ایرانیانی که در آنجا هستند و هم ایرانیانی که در پزشکی اتریش سهم دارند، می توانیم به سمت پزشکی اتریش برویم. اگر اشتباه نکنم ما سه هزار پزشک متخصص فقط در اتریش داریم و دولت جدید نیز ارتباطی خوب پزشکی گرفت که ادامه دار نشد. به هر حال هم با کشورهای چون فرانسه و انگلستان هژمونی آمریکا بودند و در قضایای مختلف در این چهار دهه با ما همراه بودند- و هم با چند کشور شرق آسیایی می توانیم کار کنیم. در مورد ترکیه نمی دانم که چقدر می توانیم در قضیه بهداشت و درمان همکاری داشته باشیم. فاصله ما و ترکیه در قضیه همکاری مقداری زیاد شده است که اگر این همکاری بشود خیلی خوب است اما به نظر می رسد که شرق آسیایی ها و اروپا و آلمان گزینه های مناسبی باشند تا فاصله مان را از قدرت هژمون بیشتر کنیم.

از ترکیه گفتید و کتابی نیز در خصوص ترکیه دارید. ترکیه از روز اول که با کرونا مواجه شده است چه سیاستی را در پیش گرفت که روابطش در حوزه بین الملل را تثبیت کند؟

تا جایی که مطالعه کرده ام، ترکیه برای کل جمعیت خودش واکسن خریده است یعنی ۵۵ میلیون واکسن نفوذ فکری می کند. ۵۰ میلیون از این واکسن ها چینی و ۲ میلیونیش نیز یک واکسن آلمانی است، یعنی واکسن آمریکایی و انگلیسی نخریده است. به نظر می رسد چون میلات مالی اش با چین یا آلمان و سوئیس راحت تر است، چنین کرده است مثلاً می که در این دو کشور دارد هم منابع انسانی و هم مالی- خیلی کمک کرده است ولی تا آن جایی که اخبار را پیگیری کردم ندیدم که ترک ها واکسن آمریکایی یا انگلیسی خریده باشند و فکر می کنم برخی از کشورهای دیگر نیز به همین نحو... یعنی خود این واکسن هم چه در شرق آسیا و چه در غرب آسیا- نماد میزان نفوذ قدرت هژمون در کشورها شده است. حالا شاید لازم باشد مجدداً بررسی کنیم. هفته قبل که سایت های ترکیه را نگاه می کردم، دولت همین را اعلام کرده بود که بنده خدمت تان عرض کردم یعنی حرفی از خرید واکسن انگلیسی یا آمریکایی نبود و تصمیمی مشابه تصمیم ما گرفته است. اگر ما نیز بخواهیم می توانیم واکسن چینی بخریم یا اینکه واکسن جدیدی تولید کنیم. اگر این بیماری کرونا بخواد باقی بماند، ناچاریم که واکسن تولید کنیم چرا که خریدش اصلاً به صرفه نیست و چون خیلی از واکسن هایی را که می زنیم تقریباً خودمان تولید می کنیم، به نظر می رسد که خرید دائمی واکسن گزینه مناسبی نباشد. [گفتیم که] بهداشت و درمان مزیت نسبی ماست و تولیدش به نظر امکان پذیر می رسد و در قدرت ما در منطقه و جهان [هم می تواند] اثر گذار باشد.

۱۰ سالی است که روابط بین الملل به سمت شرق چرخیده است. اتخاذ این روند [برای ما هم] مناسب است یا باید رویکرد کلان تری را دنبال کرد؟

مراد از شرق منظور روسیه و چین و حتی همه کشورهای اسلامی را شامل می شود و مراد فقط بلوک شرق سنتی نیست. در خصوص گردش به سمت شرق، در همه موارد امکان اینکه به سمت شرق حرکت کنیم، وجود ندارد و باعث می شود که ما با موانعی مواجه شویم. در زمینه هایی که امکان این گردش وجود دارد برخی از روابط را خوب صورت دادیم و برخی نیز به واسطه مشکلات داخلی امکان پذیر نیست. در دوران آقای خامنی در صنعت خودروسازی، پروتون را از مالزی آوردیم و در اینجا نیز خط تولیدش را ه افتاد ولی در نهایت با توجه به سیاست های دولت های بعدی این مسیر ادامه پیدا نکرد و به شکلی فقط محدود

به چین شدیم و این یعنی در دوره ای از چند کشور -مثل کره جنوبی، مالزی و شرکت های مختلف شرق آسیایی- خودرو می آوردیم یا به خط تولید می رسید- در مورد پروتون این اتفاق افتاد- ولی این سیاست در برخی موارد [بتر ماند]. یا بخش قابل توجهی از کالاهای آمریکایی به عمان می آید و از آن جا با توجه به صفر بودن تعرفه [تجارت] عمان با آمریکا- با قیمت خیلی مناسبی وارد ایران می شود یعنی ما تا تکلیف خودمان را در برخی موارد با کالاهای رقیب مشخص نکنیم، گردش به شرق عملاً امکان پذیر نیست. کالاهای تکنولوژیک لوکس مستقیماً نیز از آمریکا وارد می شوند و همه لوازمی که نیاز است، مستقیماً به عمان می آید و از آنجا وارد ایران می شود و در خیلی از این موارد ما این مدل وابستگی را داریم، گردش به شرق عملی یا معناست اما اگر ما در مواردی مثل همین توسعه بحث بهداشت و درمان [ممکن است].

آمریکا قبل از اینکه فایز را به ما بفروشد مسیر فروش فایز را تبدیل به یک اتوبان می کند. همیشه سیاست آمریکا اینطور است. آمریکا در بسیاری از موارد مثلاً تعرفه کالاهای خودش را با عمان صفر می کند. طبیعی است همه کالاهایی که وارد عمان می شود در عمان مصرف نمی شود بلکه عمان بارانند از چند کشور همسایه خودش است که ایران از جمله آنهاست که با آمریکا هم مشکل دارد.

در همین دوره چهار ساله ترامپ فکر می کنم از حدود ۱۲۰ میلیون دلار ترانکش مالی ما با آمریکا در زمان او باما ما ۵۰۰ میلیون دلار رسیدیم که نشان می دهد آمریکا با ایجاد جذابیت های مالی به رغم دشمنی ها بین ما و خودش، مانع جدی برای تمایل ما به کشورهای منطقه یا شرقی ایجاد می کند. در قضیه کرونا تحریم کالاهای بهداشتی مثل فایز آمریکایی یک مانع جدی بر سر اتوبانی که خود آمریکا برای ورود کالاهایش به ایران کرده ایجاد شده است و مانع خوبی است. تا زمانی که این مسیر اتوبانی و آزاد- که آمریکا برای کالاهای خودش ایجاد می کند- بسته نشود، گردش به شرق بسیار سخت و مقاومت به هیچ عنوان امکان پذیر نیست. باید بتوانیم آزادی هایی که آمریکا برای فروش کالاه و خدمات به ما باز می کند [را کنار بزنیم].

دیدگاه های آیت الله خامنه ای بامی توانند ما در آینده از پارادایم رئالیسم و لیبرالیسم در روابط بین الملل عبور دهند و دهه های بعدی خودمان نظریه ای را با توجه به تجربه انقلاب اسلامی شبیه آنچه هندی هادر [وضع] اساستا استعماری درست کردند- با قدرت در منطقه و بعد در مقیاس جهانی ایجاد کند؟

بسیاری از کشورهای غربی، موفقیت هایشان را مرهون نظریه های غیرغربی روابط بین الملل هستند. اگر بخواهیم [فشار سیستم جهانی خارج شویم] نظریه ما نیز به سمت به ایجاد در نظریه به نیم چرا که کاری که نظریه می کند این است که یک عینکی را روی چشمان ما قار می دهد که ما به واسطه آن می توانیم جهان را همان طور که هست ببینیم ولی اگر از قبل یک عینک لیبرالیستی یا رئالیستی به چشمان مان بزنیم، جهان آن طور که آمریکایی ها دوست دارند به نوعی طراحی می کنند [خواهیم دید]. مثلاً خوشی بیی های آقای روحانی به نظام بین الملل، عینک ویلسونی در نظریه های لیبرال بود. اطلاع دارید که ویلسون بعد از اعلام آن بیانیه و خوش بینی به امضای ترندهای بزرگ پای این بیانیه و تعهدشان به اروپا آمد، عمودی آمد و افقی برگشت، وقتی با واقعیت جهان بین الملل مواجه شد، نگاه ویلسونی در نظریه های لیبرال بود که باعث شد که آقای روحانی این قدر به دنیا خوش بین باشد، به امضا و تعهد دیگران خوش بین باشد، چیزی که ویلسون تقریباً یک قرن پیش تجربه کرد. در پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ و ۱۰۰ سال بعد همان نگاه ویلسون، خوش بینانه را آقای روحانی تکرار کرد. نظریه های تمدنی در چین یا مالزی یا ترکیه و تاویل های متفاوتی که از این نظرات خودشان دارند، کامیابی هایی به بار آورده است. مثلاً چین با احیای هویت تمدنی برای خودش به هویت ملی [توجه کرده است]. [رئالیست ها تاکید زیادی روی منافع ملی و هویت ملی و مسائلی از این دست و به خصوص منافع ملی دارند. چین با احیای مفهوم هویت تمدنی و مفاهیمی ذیل آن -مثل احیای جاده ابریشم جدید] منافعی را دنبال می کند. خود مفهوم جاده ابریشم جدید و هزینه هایی که برای آن می کند کلی برایش درآمد مالی دارد، جدا از اینکه برایش یک موضوع هویتی است. چین امروزه شاید قریب به ۳۰۰ کرسی کنسئوس سننایی در جهان تأسیس کرده است و [خود را] از این نظریه های سنت گرا یا خرذگرا یا لیبرال یا ژئال که فرهنگ و دین را از عرصه سیاسی جدا می کنند خارج می دانند. چین با این نگاه غیرغربی به عنوان یک «قدرت» شناخته شده است. ما به جای مفهوم سنتی و کلاسیک موازنه در روابط بین الملل، مفهوم مقاومت را جایگزین کردیم و این مقاومت باعث شده تا ما در منطقه تثبیت شویم. ترکیه هم همین طور. مالزی مفهوم اسلامی حضری و اسلام تمدنی را در کانون قرار داده است و اخیراً هم اتحاد تمدنی را به ماتئیر محمد اعلام کرده است. [به این ترتیب] ما مفاهیمی که در نظریه های رئالیستی و لیبرالیستی خریداری نمی دارند پذیرا شده است که کشورها قدرت دیگر نیز به همین روش رشد کنند و خارج از این دو گانه ها بتوانند از بحران هایی که در جهان اسلام رایج بوده است و دست کم در یک قرن اخیر نیز آسیب هایی به ما زده است، فاصله بگیرند و برخی از این کشورها نوعی آرایش را تجربه کنند.

می شود گفت که نگاه آیت الله خامنه ای اسلام سیاسی سال ۵۷ را به روز می کند؟

مثلاً اسلام سیاسی در اهل سنت حول خلیفه و بیعت کنندگان معنا پیدا می کند یا در تشیع حول امام و امت معنا پیدا می کند اما وقتی می گویم «اسلام تمدنی»، مفاهیم فرهنگی خارج از دین که در اسلام سیاسی دیده نمی شده است، دیده می شود. مثلاً هویت ایرانی [هم] در این مفهوم، دیده می شود. عدم تعارض بین ادیان در این مفهوم به طور روشن دیده می شود. تمدن در زبان فارسی در اسلام تمدنی ایران دیده می شود. در تمدن مالایی آن زبان بومی و فرهنگ بومی و آداب و رسوم بومی یا توجه به حوزه های نزدیک در گذشته... در کشور ما رابطه فارس ها، لر ها، ترک ها و کردها این گونه نیست که به خون هم تشنه باشند و مثل افغانستان نیست که بین پشتون ها و هزاره ها منازعه نظامی وجود داشته باشد. ترکیه چند قوم دارد ولی اسم یک قوم روی کشور است یعنی کردها از نام ترکیه بهراری ندارند و ترکیه کشوری است که نامگذاری شده است. برای ایران چنین نیست و این نگاه اسلام تمدنی سعی ندارد بگوید این کشور مال یک عده و یک جریان فکری [خاص و انحصاری] است و هر قدر این نگاه تقویت می شود، هم بحران ها کاهش پیدا می کند و [هم] بممورات آن، فرصت و توان کافی برای همگرایی بین کشورهای اسلامی ایجاد می کند. تجربه دو دهه از ۲۰۰۴ تا امروز و تجربه ترکیه و تجربه چین، چهار تجربه روشن در نگاه به این مسائل -چه داخلی و چه خارجی- هستند.